

چکیده

هدف: هدف اصلی پژوهش حاضر، علاوه بر تبیین ویژگی‌های اسناد دیوانی دوره تیموری (قرن نهم قمری)، بررسی نقش و اهمیت این اسناد در شناخت ساختار قدرت و نظام دیوان‌سالاری تیموریان است. جامعه آماری: جامعه مورد بررسی، کلیه اسناد دیوانی صادر شده از جانب شاهان تیموری (سلطانیات) است که اصل سند در حال حاضر در آرشیوها یا موزه‌های کشورهای مختلف نگهداری می‌شود.

روش/ رویکرد پژوهش: شناسایی و گردآوری اسناد مورد نظر این پژوهش در سراسر جهان، به روش کتابخانه‌ای و مراجعه به آرشیوهای مختلف صورت گرفته است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از روش تحقیق تاریخی مبتنی بر متون معتبر انجام پذیرفته است.

یافته‌های پژوهش: از دوره تیموری - با وجود متون تاریخی متعدد و معتبر - اسنادی که اصل آنها به دست ما رسیده باشد، محدود و انگشت شمار است. این تحقیق نشان می‌دهد که علاوه بر ۹ سندی که تاکنون از این دوره شناخته شده، دو سند نیز در آرشیو ملی افغانستان نگهداری می‌شود که مربوط به سلطان حسین بایقرا، آخرین زمامدار تیموری است. با وجود مشابهت‌های کلی، اسناد متعلق به دوره تیموریان را در مقاطع مختلف، با توجه به زمان و مکان صدور سند، می‌توان مورد بررسی قرار داد؛ به‌ویژه، فرمان‌های صادره از جانب شاهرخ، که همگی به فاصله یک سال صادر شده و مکان صدور آنها مربوط به غرب ایران است.

نتیجه‌گیری: تعداد اسناد اصل برجای مانده از دوره تیموری، بازگوکننده نکات مهمی از تاریخ سیاسی - اجتماعی زمان خود است؛ هرچند تعداد آنها انگشت شمار است و موجب شده که امکان ناگفته‌های زیادی در خصوص ساختار دیوانی و نظام دیوان‌سالاری این عصر وجود داشته باشد. نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که اسناد موجود حکایت از ساختاری خاص دارد که در پرتو آن می‌توان رابطه بین شاه، شاهرخ، و خان مغول را در عصر تیمور بررسی کرد. در عصر شاهرخ نیز وابستگی‌های مکانی و زمانی صدور اسناد را باید با توجه به حوادث و رویدادهای ثبت شده در متون تاریخی مورد توجه قرار داد.

کلیدواژه‌ها

تیموریان / اسناد دیوانی / فرمان / تیمور گورکان، ۷۳۶-۸۰۷ ق. / شاهرخ تیموری، ۷۷۹-۸۵۰ ق. / حسین بایقرا، ۸۴۲-۹۱۱ ق.

تحقیقات تاریخی

فصلنامه گنجینه اسناد: سال بیستم و دوم، دفتر اول، (بهار ۱۳۹۱)، ۶۰-۴۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۰/۱۵ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۲/۱۲

پژوهشی در نقش اسناد دیوانی در تبیین ساختار قدرت دولت تیموریان

غلامرضا امیرخانی^۱

مقدمه

وضعیت اسناد دیوانی برجای مانده از سلاطین تیموری، در مقایسه با دوره بعد، یعنی صفویان، دارای تفاوتی معنادار است. به این معنی که در برابر اسناد متعددی که از دوره صفویه برجای مانده، تعداد اسناد مشابه در دوره تیموری - که اصل سند به دست ما رسیده باشد - بسیار محدود و انگشت شمار است؛ حتی به نظر می رسد اسناد دیوانی برجای مانده از ترکمانان آق قویونلو و قره قویونلو - که معاصر تیموریان بوده اند - از وضعیت بهتری برخوردار باشد.^۲

البته کتاب‌های تاریخی، جنگ‌ها، مکتوبات، و نمونه‌های مشابه، مملو از متونی است که در اصل به صورت سند بوده و بعداً به این گروه راه یافته‌اند. این نوع اسناد - که می توان مکتوبات تاریخی غیر آرشیوی نامیدشان (صفت گل، ۲۰۰۶، مقدمه، صفحه و) - به سبب محدودیت در دستیابی به اصل اسناد، منبعی ارزشمند در تبیین ساختار دیوانی و تشکیلات اداری، به ویژه در ادوار پیش از صفویه محسوب می شوند. ضمن آنکه، در تحلیل محتوای این منابع، می توان از قواعد و اصول سندشناسی رایج در بررسی اصل اسناد سود جست؛ چرا که محتوای درونی اسناد، هم‌ارز سند اصلی است (صفت گل، ۲۰۰۶، ص ۱۲۳).

کاربرد دیگر این گروه از منابع و مکتوبات، شناخت شرایط حاکم بر روابط خارجی بین دولت‌های مختلف است. از آنجا که بخش عمده‌ای از این آثار به مکاتبات بین سلاطین و پادشاهان اختصاص دارد، ترسیم چگونگی روابط خارجی در ادوار گوناگون، بدون لحاظ کردن این منابع، میسر نیست.

۱. مربی کتابداری و اطلاع‌رسانی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و دانشجوی دکتری تاریخ

ایران دانشگاه تهران.

Amirkhani@nlai.ir

۲. مشابه این وضعیت را در مورد

منسوجات و قالی‌ها نیز می‌توان مشاهده

کرد. در حالی که از دوره صفوی و حتی

اوایل آن، منسوجات و قالی‌های ارزشمندی

برجای مانده، از دوره تیموری طبق نظر

مؤلفان تاریخ ایران کم‌برنج و سایر مآخذ

غربی، نمونه‌ای برجای مانده است. هر چند

که نگارنده دست‌کم یک مورد از منسوجات

تیموری را شناسایی کرده که زیلوبی است

متعلق به مسجد جامع میبد، متعلق به سال

۸۰۸ ق.، بافنده آن علی بیبی ابن حاجی

میبدی است، که با طرح محرابی و یافنون

متمایزی نسبت به زیلوهای ادوار پسین و

بهره‌گیری از سه رنگ آبی، سفید و قرمز بافته

شده است. این اثر بی‌نظیر در حال حاضر در

موزه زیلوی میبد نگهداری می‌شود.



از بین متون برجای مانده از عصر تیموری، که شامل مکتوبات و منشآت است، می‌توان به‌عنوان زیر اشاره کرد:

فرائد غیاثی، از جلال‌الدین یوسف اهل، که نیمی از آن، در دو جلد، به تصحیح حشمت مؤید و در سلسله انتشارات بنیاد فرهنگ ایران به چاپ رسیده است. همایون‌نامه، از محمدبن علی منشی؛ و منشأ الانشا، از عبدالواسع نظامی باخرزی، که هر دو اثر به کوشش رکن‌الدین همایونفرخ و توسط انتشارات دانشگاه ملی در دهه پنجاه شمسی منتشر شده است.

محققان و مورخان معاصر نیز از اهمیت این منابع در شناخت تاریخ سیاسی - اجتماعی عصر تیموری غافل نبوده‌اند. در رأس ایشان باید از زنده‌یاد عبدالحسین نوایی نام برد که مجموعه آثار او در خصوص اسناد و مکاتبات تاریخی ایران، با ذکر نمونه‌هایی از اسناد دوره تیموری، راهگشای تحقیقات بسیاری بوده است. به‌ویژه آنکه، وی، به ذکر مکتوبات بسنده نکرده و معمولاً خلاصه‌ای دقیق و عالمانه را از دوره مورد بحث ارائه کرده است.

هریبرت بوسه^۱ (۱۹۲۶ -)، شرق‌شناس و قرآن‌پژوه برجسته آلمانی، در پژوهش ارزشمند خود - که به دلیل کار روی اصل اسناد بسیار واجد اهمیت و بدیع است - ۲۳ سند از دوره‌های آق‌قویونلو، قراقویونلو، و صفویان را مورد بررسی قرار داده که می‌توان گفت اسناد بررسی شده از دوره ترکمانان از حیث تاریخی با نیمه دوم دوره تیموری همپوشانی دارد. وی، اعتقاد دارد که نهادهای اداری قرن هشتم هجری کماکان در قرن نهم وجود داشته و از تیموریان نیز به ترکمانان منتقل شده (بوسه، ۱۳۶۷، ص ۱۳)؛ ولی فقدان سندی که متعلق به فرمانروایان تیموری بوده و توسط بوسه مورد بررسی قرار گرفته باشد، لزوم تحقیق بیشتر در این خصوص را آشکار می‌سازد^۲.

مدعای اصلی این پژوهش، شناخت بیشتر اسناد دیوانی عصر تیموری، به کمک احصای کامل اسناد برجای مانده است که براساس آن بتوان ساختار و سلسله مراتب قدرت در نظام دیوان‌سالاری دولت تیموریان را مورد بحث قرار داد؛ نظامی که آشکارا تحت تأثیر دو فرهنگ ایرانی - اسلامی و ترکی - مغولی است. جنبه دیگر این مسئله، کاربرد اسناد به عنوان ابزاری برای مشروعیت بخشی و کسب اقتدار است که به خصوص در نواحی و مناطق دور از مراکز حکومتی کاربرد داشته است.

اسناد دیوانی

بنا بر آنچه در مقدمه ذکر شد، این تحقیق در صدد است به بررسی آن دسته از اسناد دیوانی صادر شده از جانب شاهان تیموری بپردازد که اصل آنها برجای است. اینگونه اسناد، که در

1. Heribert Busse

۲. باید توجه داشت که در زمان انجام تحقیق بوسه (۱۹۵۹) هیچ‌یک از اسناد دوره تیموری شناخته شده نبود.



کتابخانه‌ها یا موزه‌ها نگهداری می‌شوند، بسیار معدود و انگشت شمار بوده و غالباً به خط تعلیق دیوانی نوشته شده‌اند. در این پژوهش، مشخص شد تاکنون یازده سند مربوط به چهار زمامدار برجسته تیموری - که هر یک مدت زمان قابل توجهی به زمامداری مشغول بوده‌اند - یعنی تیمور (۷۷۱ - ۸۰۷ ق.)، شاهرخ (۸۰۷ - ۸۵۰ ق.)، ابوسعید گورکانی (۸۵۵ - ۸۷۳ ق.)، و حسین بایقرا (۸۷۳ - ۹۱۱ ق.) شناسایی شده که دو سند پایانی برای اولین بار در این پژوهش معرفی و منتشر می‌گردد. این اسناد به تفکیک نام صادرکننده عبارت‌اند از:

الف. اسناد تیمور: بنا بر نظر جان وودز، از دوره تیمور (۷۷۱ - ۸۰۷ ق.) تنها پنج سند بر جای مانده که از این بین، یک سند از جانب امیرانشاه (میرانشاه)، فرزند سوم تیمور - که مدتی حاکم آذربایجان بود - صادر شده است. شیوه تنظیم این سند، که اعطای سیورغال به شیخ درسون^۱ از بزرگان آن دیار است، از حیث سلسله مراتب حکومتی خاندان تیمور، جالب توجه بوده و به صورت مشروح توسط وودز مورد بحث قرار گرفته است (Woods, 1984, p. 331).
فهرست اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، که سال‌ها پس از مقاله فوق منتشر شده، حاکی از سه سند دیگر است (شیخ‌الحکامی، ۱۳۸۷، صص ۱۲۴ - ۱۲۵) که از جانب میرانشاه تیموری صادر شده و طبیعتاً از چشم وودز دور مانده است.

نکته مهمی که در اسناد تیمور باید به آن دقت کرد، ذکر نام خان مغول در بالای نامه و به فاصله یک بند انگشت از آن، نام خود تیمور است (شیخعلی گیلانی، ۱۳۵۲، ص ۲۸). این خان‌های مغول که تیمور نام‌ایشان را پیش از نام خود آورده، دو تن بوده‌اند. ابتدا، سیورغتمش که تا سال ۷۹۰ ق. در قید حیات بوده و پس از او پسرش، سلطان محمود که تا سال ۸۰۰ ق. بر حسب ظاهر بر تخت ایلخانی جلوس داشته است (زامباور، ۱۳۵۶، ص ۴۰۱). در طغرای اسناد برجای مانده، عبارت «یرلیغ‌دین» برای خان مغول و عبارت «سوزومیز» برای تیمور به کار رفته است^۲. این دو عبارت، در سکه‌های برجای مانده از عصر تیمور به صورت: «سلطان محمود یرلیغی» و «امیر تیمور گورکان اکمنو^۳» دیده می‌شود (ترابی طباطبایی، ۱۳۸۶، صص ۲۹ - ۳۳).
این رسم، تا زمان سلطان ابوسعید تیموری نیز پابرجا بود و هنگامی که ابوسعید، یونس خان را از عراق آورد و او را برای رفتن به مغولستان آماده ساخت، به او یادآور شد که در زمان امیر تیمور چون امرا قدرت او را به رسمیت نمی‌شناختند (زیرا او را از نسل چنگیز نمی‌دانستند)، به او گفتند تو باید یکی را از نسل چنگیز خان به خانی برداری تا ما به نام او اطاعت تو را گردن نهیم. تیمور هم سیورغتمش خان را به خانی برداشت و همه فرمان‌های خود را به نام او صادر کرد و پس از مرگ او پسرش محمود خان را به خانی برگزید. اما من که به قدرت مطلقه رسیده‌ام و احتیاجی به تعیین خان برای خود ندارم، اکنون که تو را به مغولستان می‌فرستم، نباید

۱. شیخ درسون فوق‌الذکر به احتمال قوی همان کسی است که به همراه تنی چند از ملازمان قرايوسف ترکمان برای بیرون آوردن سلطان احمد جلایر از مخفی‌گاه خود غایب شدند. برای اطلاعات بیشتر ن. ک. روملو، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۷۹. در حال حاضر نیز درسون خواجه‌لو، نام یکی از ایلات اطراف اردبیل است.

۲. در نسخه خطی شماره ۸۲۳ کتابخانه ملک که محتوی مکتوبات و منشآت است، نشانی از تیمور، به تاریخ غره رجب سال ۸۰۰ ق. خطاب به خواجه عبدالقادر مراغی، موسیقیدان نامی، با عنوان «سپارش حضرت خواجه به اهل سمرقند» صادر شده که عبارت امیر تیمور گورکان سوزندین، به جای سوزومیز نقش بسته و به انشای شمس‌الدین منشی است.

۳. این عبارت به صورت اوگ منو، که همان معنی «سخنی از ما» را می‌رساند، نیز ضبط شده است (بوسه، ۱۳۶۷، ص ۵۲).

ادعا کنی که امیر تیمور و فرزندانش نواب ما بوده‌اند (زریاب خوئی، ۱۳۶۹، ص ۵۵۳).

سخنان ابوسعید در تاریخ رشیدی بدین گونه آورده شده:

« اکنون من شما را از لباس فقر برون آوردم و خلعت پادشاهی پوشانیدم و با یورت اصلی شما را فرستادم، معهود و مشروط آن است که من بعد بر خلاف اسلاف و خوانین ماضی که دعوی می کردند که امیر تیمور و دودمان امیر تیمور نوکر مانند، ابا عن جد این دعوی نکنند. زیرا که اگرچه در قدیم چنان بود، اما چنان نماند. حالیا من پادشاه سر خودم، دیگری چون دعوی نوکری من کند. اکنون می باید شما نام خادم و مخدوم را برآید و اسم دوستی را اطلاق کنید» (حیدر میرزا دوغلات، ۱۳۸۳، ص ۱۱۰).

مطابق آنچه گفته شد، تنها چهار سند منسوب به تیمور وجود دارد که به شرح زیر نقد و

بررسی می شود:

یک. نامه تیمور به شارل ششم، پادشاه فرانسه (۱۳۸۰ - ۱۴۲۲ م.): این نامه بسیار مشهور در آرشیو ملی فرانسه نگهداری می شود و نخستین بار سیلویستر دوساسی^۱ در ۱۸۲۲، آن را به همراه ترجمه فرانسوی و با توضیحات و یادداشت‌های متعدد منتشر کرد. سال‌ها بعد، علامه قزوینی، طی مطلبی که از پاریس برای نشریه کاوه فرستاده بود، به معرفی این سند برای فارسی زبانان پرداخت، که همین مطلب در کتاب بیست مقاله وی نیز آورده شده است. قزوینی با اشاره به نوشته دوساسی می گوید:

«غرض از چاپ مقاله‌ای مجدد در این باره، ارائه تصویری بود از نامه امیر تیمور و باید گفته شود هر آنچه که لازم است، او (یعنی دوساسی) گفته است» (قزوینی، ۱۳۶۳، ص ۵۰). متن این نامه، بعدها به آثار متعددی راه یافت. از آن جمله کتاب اسناد و مکاتبات تاریخی ایران از تیمور تا شاه اسماعیل، تألیف عبدالحسین نوایی.

تاریخ مندرج روی نامه محرم ۸۰۵ بوده و در پایان سجع مهر تیمور به صورت سه دایره و عبارت «راستی رستی» حک شده است. عبدالحسین نوایی به اصالت این سند خدشه‌ای وارد نکرده، ولی اسلوب نگارش آن را بسیار غریب و پر از اغلاط کتابتی می داند (نوایی، ۱۳۵۶، ص ۱۲۶). در نشریه نامه بهارستان نیز در مقاله‌ای با عنوان «کاربرد معیارهای الاقدم اصح و یقین سابق و مشکل مدارک نیمه جعلی» اصالت این سند مورد تردید قرار گرفته و به دلایل زیر، احتمال صدور چنین نامه‌ای از سوی امیر تیمور منتفی دانسته شده است:

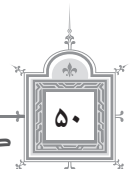
- قطع کوچک نامه که مناسب مکاتباتی در این سطح نیست؛

- ظاهر نامناسب نامه، شامل خط ناهنجار، فاصله‌های ناموزون بین سطور، و مهم‌تر از

همه مرکب بی رنگ به کار رفته،

- غلط‌های فراوان املائی، و

1. Antoine Isaac silvestre de Sacy ,
1758 - 1838



- کاربرد عبارت‌های غریب و نامتعارف، نظیر زید عمره برای تیمور (سودآور، ۱۳۸۳، ص ۴۵).

دو. نامه تیمور به سلطان بایزید اول (ایلدروم بایزید)، پادشاه عثمانی که احتمالاً مربوط به سال ۸۰۴ ق. بوده و در آرشیو موزه توپکاپی سرای استانبول، به شماره ۱۰۷۵۰، نگهداری می‌شود (Woods, 1984, p. 332).

سه. فرمانی از تیمور، دال بر بخشش مالیاتی منطقه حکمرانی شیخ درسون به تاریخ ۲۴ محرم ۸۰۴؛ که همانند سند قبل در آرشیو موزه توپکاپی سرای استانبول و با شماره ۹۶۶۴ نگهداری می‌شود.

چهار. وقفنامه تیمور بر آرامگاه شیخ احمد یسوی در قزاقستان امروزی (حوزه سیحون) که در آرشیو مؤسسه مطالعات شرقی آکادمی علوم جمهوری ازبکستان در تاشکند نگهداری می‌شود. این سند، فاقد تاریخ بوده ولی به احتمال قوی مربوط به سال ۷۹۹ ق. و یا پس از آن است؛ چرا که به تصریح مآثرالملوک، بنای آرامگاه در این سال بوده است:

«و هم در این سال [۷۹۹] آن پادشاه بی همال [تیمور] در سر مزار شیخ احمد نسوی [صحیح: یسوی] - قدس سره - عمارتی ساخت که مبنی بود از طاق بارفعت و دو مناره و گنبد بلند و وسیع و گنبد دیگر دوازده گز در دوازده گز و چهار صغه برای مرقد منور در جانب قبله بزرگ و در دو جانب گنبد چهار صغه دیگر ... و دیگر حجرات و توابع و لواحق و این عمارت را به کاشیکاری مزین گردانیدند» (خواندمیر، ۱۳۷۲، ص ۱۶۴).



۱. در مجموعه مکتوبات سنت پترزبورگ نیز سندی با عنوان «نشان اولاد حضرت سلطان خواجه احمد یسوی که معاف شده‌اند»، وجود دارد (ن. ک.: صفت گل، ۲۰۰۶، ص ۳۱۵).

تصویر ۱

آرامگاه خواجه احمد یسوی در شهر ترکستان (جمهوری قزاقستان) - عکس از برنارد لوکین

ب. اسناد شاهرخ

طی بررسی‌های به‌عمل آمده تاکنون ۴ سند صادره از جانب شاهرخ شناسایی شده است^۱:
یک. فرمانی دال بر معافیت مالیاتی منطقه حکمرانی خاندان شیخ درسون، به تاریخ هشتم محرم ۸۳۸. همان‌گونه که در فهرست اسناد تیمور گفته شد، معافیت مالیاتی این خاندان از زمان تیمور برقرار بوده است (Fekete, 1977, pp. 87-88). اصولاً تداوم اعتبار اینگونه احکام و فرامین، اعم از اعطای سیورغال و معافیت‌های مالیاتی و نظایر آن، در قرن نهم هجری رایج بوده و نه تنها بین خاندان تیموری، بلکه در میان سلاطین ترکمان معتبر بوده است. برای نمونه، می‌توان به عبارت زیر، از فرمان یعقوب بیک آق قویونلو در تأیید مقام متولی املاک موقوفه سستی فاطمه (س) در قم اشاره کرد که مضمون آن، تأیید معافیت مالیاتی اعطاشده از جانب تیمور و شاهرخ است:
 «احکام سلاطین ماضیه، انارالله برهانهم، خصوصاً خاقان سعید شاهرخ میرزا که به امضاء نشان سلطان مرحوم امیر تیمور گورکان و پادشاه مبرور جهان‌شاه نافذ شده... به عرض همایون رسانیدند و التماس امضاء نمودند. چون استحقاق و استئصال مرتضیان مشارالیهما اظهر من الشمس و این من‌الامس است، ملتتمس ایشان مبذول داشته ...» (بوسه، ۱۳۶۷، صص ۲۴۱-۲۴۲).

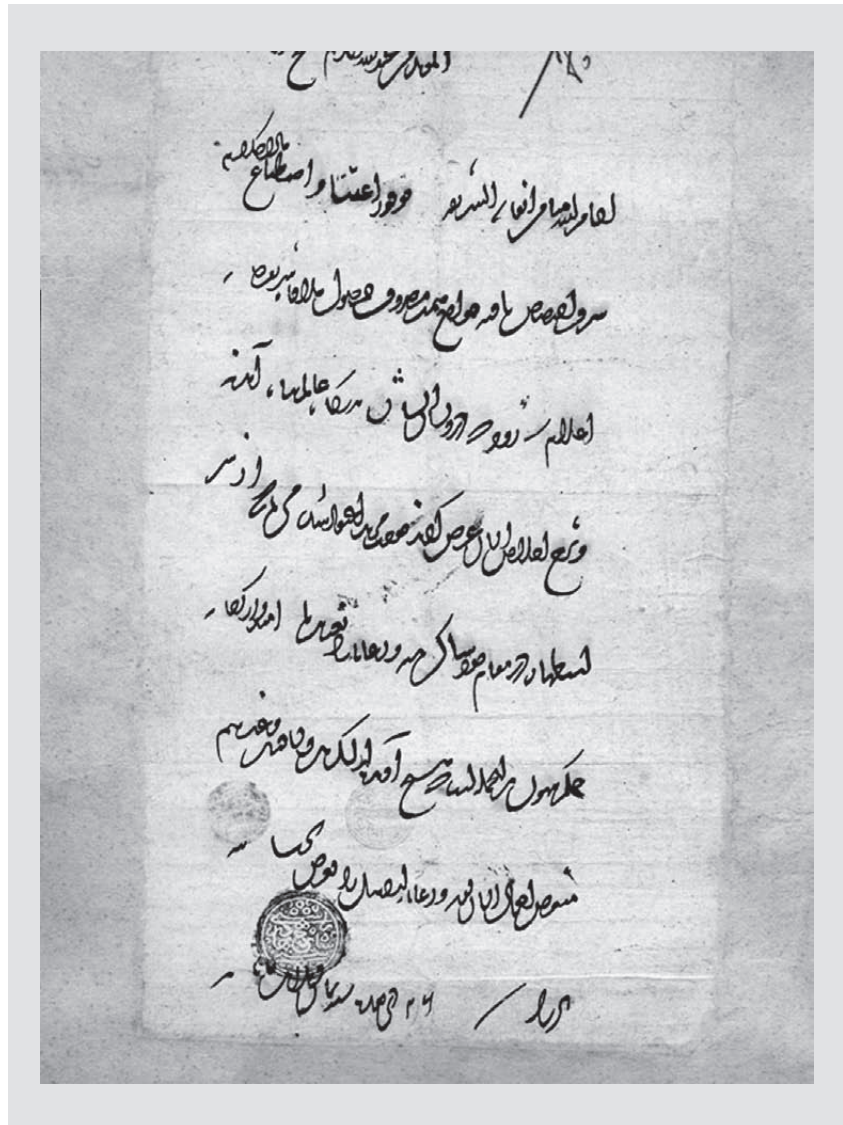
دو. فرمانی با مضمون واگذاری منصب احتساب بلده قزوین به مرتضی اعظم سید معین‌الدین از سادات مرعشی قزوین. تاریخ این سند، پنجم ذی‌قعدة ۸۳۸ است. این فرمان، در ۱۲ سطر نوشته شده و دو توقیع و پنج مهر در پشت سند دارد. مهر شاهرخ نیز قبل از سطر پایانی دیده می‌شود (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۷، صص ۷-۸). باید توجه داشت که مرتضی اعظم، اسم خاص نبوده و لقبی بوده که به نقیب سادات اعطا می‌شده است. جمع این اصطلاح نیز به صورت مرتضیان اعظمیان به کار رفته است (بوسه، ۱۳۶۷، ص. ۲۴۰).

سه. فرمانی از شاهرخ در مجموعه اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی در موزه ملی ایران با شماره اموالی ۲۵۹۲۷ به تاریخ ذی‌قعدة ۸۳۸ (تصویر ۲) که خطاب به شیخ صدرالدین ابراهیم صادر شده و بر باقی‌ماندن وی در املاک خود و جلوگیری از تعرض به اموالش، تصریح شده است. باید توجه داشت که صدرالدین ابراهیم از خاندان صفوی است و در همان منطقه اردبیل ساکن بوده و نباید آن را با صدرالدین ابراهیم، وزیر شاهرخ، در گذشته به سال ۸۳۲ ق. اشتباه کرد.

چهار. فرمان دیگری در همان مجموعه با شماره اموالی ۲۵۹۲۶ به تاریخ شعبان ۸۳۹ ق. که دستور داده شده مالیات کشاورزان اردبیل در همان محل زراعتشان پرداخت شود.
 همانگونه که در تصویر ۲ مشاهده می‌شود، مهر شاهرخ بر این اسناد حک شده که دربرگیرنده نام او به صورت «شاهرخ بهادر» و عبارت «راستی رستی» است که به‌همراه سه دایره کوچک در بالای نوشته، دقیقاً مشابه مهر تیمور است.

۱. سواى اصل اسناد، که منظور نظر این تحقیق است، در متون مختلف مکتوباتی از شاهرخ یا خطاب به او آورده شده، از جمله نامه ۴۳ در مجموعه فرآوند غیائی که از جانب قرايوسف قره قویونلو خطاب به شاهرخ نگاشته شده است (یوسف اهل، ۱۳۵۶، ص ۱۹۰).





تصویر ۲

فرمان شاهرخ، مورخ ۲۶ ذی قعدة ۸۳۸ خطاب
به شیخ صدرالدین ابراهیم، موزه ملی ایران.

نکته جالب توجه و سؤال برانگیز که می‌تواند منشأ تحقیقات آتی باشد، تاریخ صدور فرمان‌های برجای مانده از شاهرخ است؛ چرا که همگی به فاصله کوتاهی از یکدیگر صادر شده است، یعنی از محرم ۸۳۸ تا شعبان ۸۳۹. این مقطع زمانی دقیقاً مصادف با سومین یورش شاهرخ به آذربایجان است که به اظهار اطاعت جهانشاه قراقویونلو و اعطای حکومت آذربایجان از جانب شاهرخ به وی در ذی قعدة ۸۳۸ منجر شد (فصیح خوانی، ۱۳۴۱، ج ۳، ص ۲۷۹)^۱. اتفاقاً سند شماره دو و سه نیز مربوط به ذی قعدة همین سال است.

۱. عبدالرزاق سمرقندی، تاریخ ملاقات
جهانشاه با شاهرخ رانیمه ذی حجه می‌داند
(عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۸۴، ج ۲، بخش
اول، ص ۴۴۹).

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود، آن است که چرا از دوره طولانی حکومت شاهرخ که چهل سال مقتدرانه بر قلمروی خود فرمان می‌راند، تنها چند سند به زبان فارسی برجای مانده که همگی آنها مربوط به لشکرکشی او به آذربایجان در سال ۸۳۸ و ۸۳۹ ق. بوده و از فرمان‌های دیگر او در سال‌های قبل یا پس از این واقعه، نمونه‌ای برجای نمانده است؟ آیا در مقطع زمانی مورد بحث، نظام دیوان‌سالاری حکومت تیموری دستخوش تغییراتی شده و اهمیت افزون‌تری به صدور اسناد و فرامینی از این دست داده شده است؟

فرضیه‌ای که می‌تواند در این خصوص مورد بحث قرار گیرد، کاربرد سند به عنوان گواهی بر حکمرانی و اقتدار سلطان است. به عبارت دیگر، اسناد صادره، نقشی مشابه سکه‌های ضرب شده ایفا می‌کند. همانگونه که یک سکه و عبارات حک شده بر روی آن، قلمرو و تاریخ زمامداری یک حاکم را آشکار می‌سازد، اسناد نیز می‌تواند چنین کاربردی داشته باشد. بررسی رویدادهای مربوط به سومین لشکرکشی شاهرخ به غرب ایران در ۸۳۸ ق. که با مراجعت او به هرات در دوم ربیع‌الثانی ۸۴۰ پایان پذیرفت، و روایت مورخان تیموری از وقایع عصر، آشکار می‌سازد که او نه در پی جنگ و نزاع، بلکه به دنبال تحکیم اقتدار خود با استفاده از روش‌های دیگر بوده است؛ پس، می‌توان مطرح کرد که صدور فرامین در نقاط مختلفی که شاهرخ و سپاهش از آنجا می‌گذشته‌اند، تلاشی در جهت تثبیت اقتدار او بوده است.

در تأیید این نظریه، علاوه بر زمان، به وابستگی مکانی اسناد نیز می‌توان توجه کرد، به خصوص مناطقی از غرب ایران که طبیعتاً اقتدار دولت تیموری مستقر در هرات، در آن مناطق با چالش‌های متعددی روبه‌رو بوده است (به جدول انتهای مقاله رجوع شود).

ج. اسناد ابوسعید گورکانی

تنها سند اصل به دست آمده از ابوسعید، فتحنامه اوست که در تاریخ ۲۲ ربیع‌الاول ۸۷۳، به خط او یغوری و خطاب به اوزون حسن آق‌قویونلو نوشته شده و در حال حاضر در آرشیو موزه توپکاپی سرای نگهداری می‌شود (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۱۲). بوسه از این سند با عنوان فرمانی از ابوسعید یاد کرده که صحیح نیست (۱۳۳۷، ص ۷۵).

د. اسناد سلطان حسین بایقرا

از دوره سلطان حسین بایقرا نیز با وجود طولانی بودن آن، که برابر با ۳۷ سال بوده، اسناد چندانی برجای نمانده است. فرمان مورخ شانزدهم ذی‌قعدة ۹۰۶ نیز که مضمون آن، بزرگداشت و تکریم سالک‌الدین محمد حموی، از واعظان و مفسران عصر، بوده و در مجله بررسی‌های تاریخی (شماره ۲ سال ۱۱) منتشر شده، سواد است شبیه اصل که در یک



مجموعه خطی با عنوان مشیخه کنز السالکین در مجموعه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود (مدرسی طباطبایی، ۱۳۵۵، ص ۱۲۰).

بنا بر توضیحات فوق، نگارنده تا به حال موفق به شناسایی نسخه اصل سه فرمان صادره از حسین بایقرا به شرح زیر شده است. در طغرای این فرمان‌ها عبارت «ابوالغازی سلطان حسین بهادر سوزومیز» وجود دارد که در نوشته‌های دیگر نیز دیده شده و برخی به اشتباه، عبارت ترکی سوزومیز را «نور و منیر» خوانده‌اند:

یک. فرمان مورخ ۸۷۹ ق. که در موزه توپکاپی سرای نگهداری می‌شود. این سند را محمد مکرری در مقاله منتشر شده در سال پنجم (۱۹۷۵) مجله *Turcica* آورده است (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۷، صص ۱۲ - ۱۳).

دو و سه. (فرمان‌های موجود در آرشیو ملی افغانستان). این دو فرمان برای اولین بار در این مقاله منتشر می‌شود. اصل این دو سند در آرشیو ملی افغانستان موجود است که به دلیل نویافته بودن، تصویر و متن بازنویسی شده هر دو در ادامه می‌آید.^۱ فرمان نخست، به تاریخ دهم رجب ۸۹۶؛ و فرمان دوم، به تاریخ صفر ۹۰۱ و مخاطب هر دو فرمان، «قاضی و داروغه ولایت چیچکتو» در افغانستان امروزی بوده است. و اما متن دو سند:

فرمان سلطان حسین بایقرا به قاضی و داروغه چیچکتو^۲ در مورد تظلم خواهی سید قاسم و یوسف:

هو الغنی

ابوالغازی سلطان حسین بهادر سوزومیز

قاضی و داروغه چیچکتو بدانند که سید قاسم و یوسف

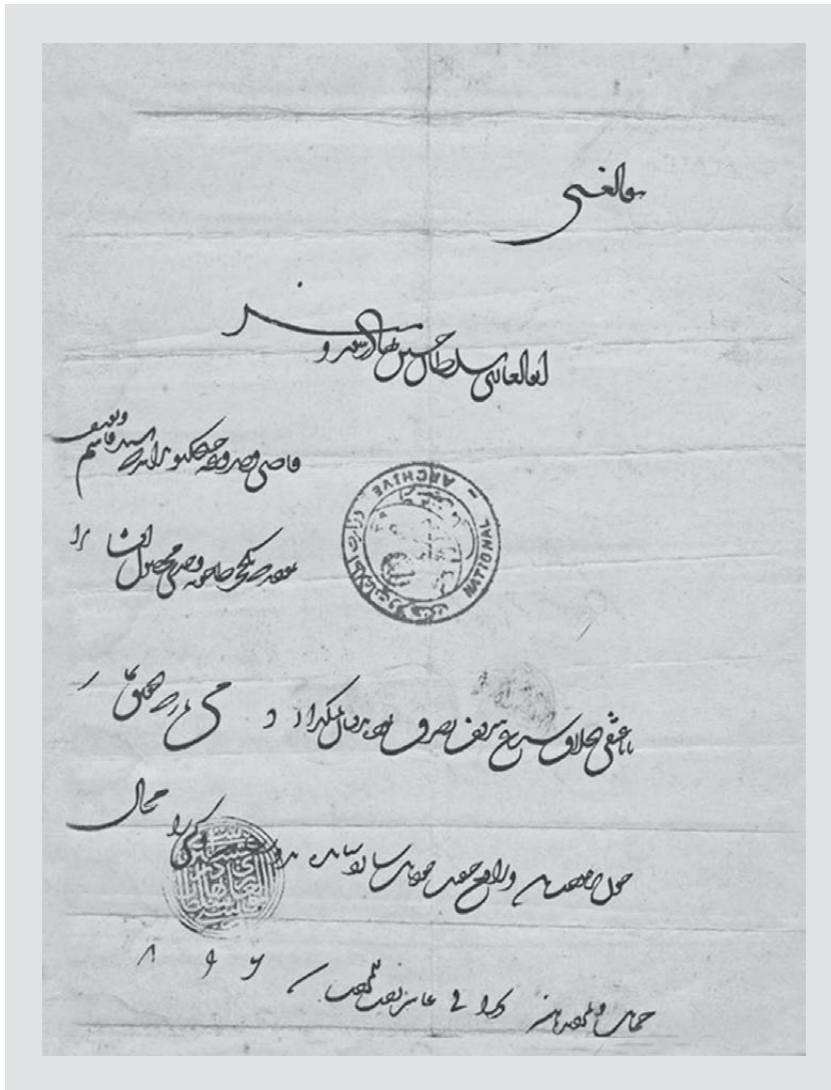
نمودند که یک حجر طاحونه و چندی محصول ایشان را

بابا عشقی^۳ به خلاف شرع شریف تصرف نموده بدیشان نمی‌گذارد و می‌باید که تحقیق نماید چون برین موجب باشد، و رافع، حقیقت خود ثابت سازد، ستانده، بدو رسانند و کسی را مجال حمایت و تمرد ندهند. تحریراً فی عاشر رجب المرجب سنه ۸۹۶.

[مهر]: (راستی رستی، ابوالغازی، سلطان حسین بهادر)

۱. در بازخوانی این اسناد از راهنمایی‌های
سندپژوهان گرامتیه، عمادالدین
شیخ‌الحکامی و نجیب مایل هروی بهره بردم.
۲. چیچکتو ناحیه‌ای است در ده فرسخی
شرق مرغاب در افغانستان امروزی
(بارتولد، ۱۳۲۶، ص ۲۴۷).
۳. خواندمیر از این شخص با نام بابا عشقی
تبرایی یاد کرده و می‌نویسد که در نبرد با
اوزبکان در سال ۹۱۸ ق. کشته شد (خواندمیر،
۱۳۲۲، ج ۴، ص ۵۳۲).





تصویر ۳

فرمان مورخ ۸۹۶ ق.
از سلطان حسین بایقرا

فرمان سلطان حسین بایقرا به قاضی و داروغه چیچکتو در مورد تصرف اراضی وقفی

هوالغنی

ابوالغازی سلطان حسین بهادر سوزومیز

قاضی و داروغه چیچکتو بدانند که

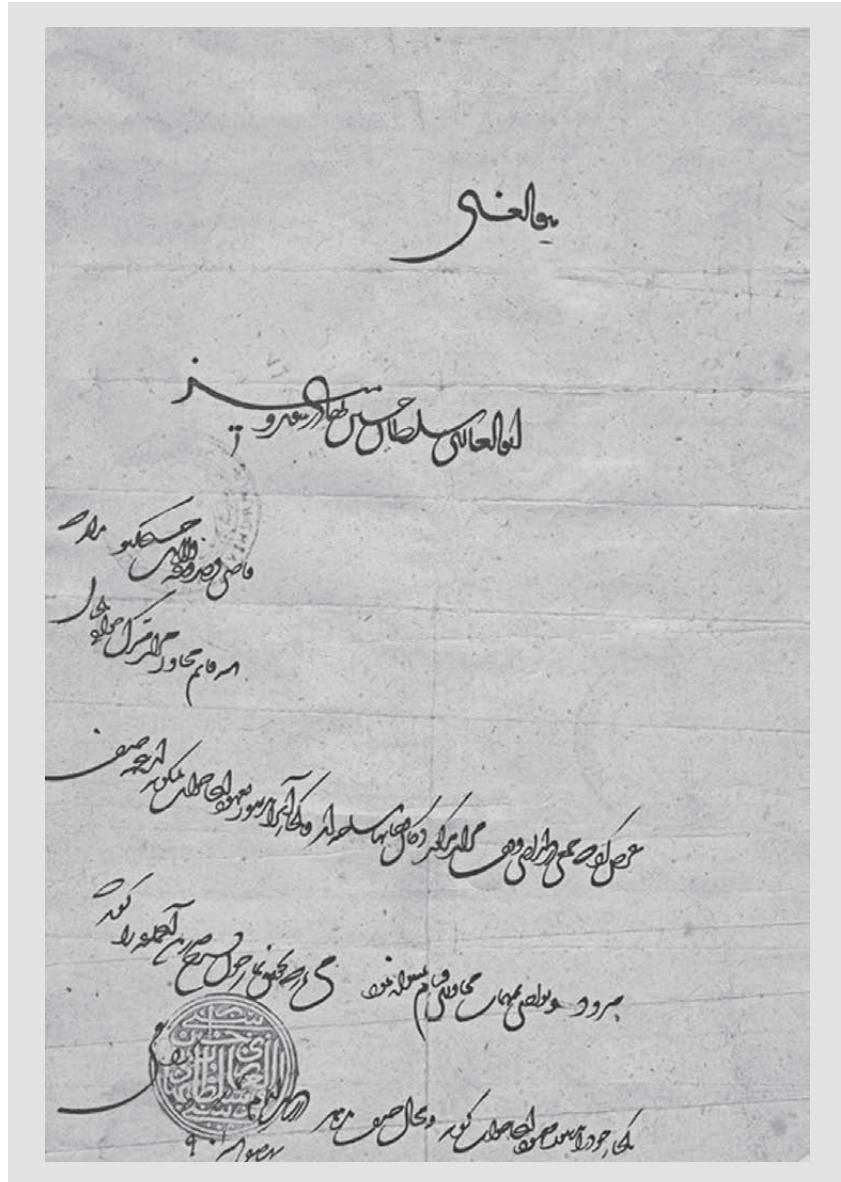
سیدقاسم مجاور مزار متبرکه خواجه بلجان^۱

عرض کرد که جمعی در اراضی وقف مزار مذکور دکان و خانه‌ها ساخته‌اند و

یکچار آن را به دستور معهود آنجا جواب نمی‌گویند ازین جهت صرف

۱. منسوب به بلجان که قریه ای در مرو و متصل به قریه ای دیگر به نام کمسان بوده است (یا قوت حموی، ۱۹۷۹، ج ۱، ص ۴۷۹؛ سیوطی، ۱۹۹۱، ج ۱، ص ۱۴۲).

می رود و به واجبی به مهمات مجاوری قیام نمی تواند نمود. می باید که تحقیق
نمایند چون به شرح صدر باشد، آن جماعه را گویند که
یکچار خود را به دستور معهود آنجا جواب گویند و مجال صرف ندهند. در این باب
اهتمام نمایند. تحریر آفی شهر صفر سنه ۹۰۱.
[مهر]: (راستی رستی، ابوالغازی، سلطان حسین بهادر)



تصویر ۴

فرمان مورخ ۹۰۱ ق.
از سلطان حسین بایقرا

تاریخ سند	صادرکننده	نوع سند	محل موضوع سند	موقعیت امروزی	محل نگهداری	مخاطب یا موضوع سند
[ابعداز ۱۷۹۹]	تیمور	وقفنامه	ترکستان	قزاقستان	ازبکستان- آکادمی علوم	آرامگاه احمد یسوی
۸۰۴	تیمور	فرمان	جلفا	ایران	ترکیه- موزه تویکاپی	شیخ درسون
[۸۰۴]	تیمور	نامه	-	-	ترکیه- موزه تویکاپی	سلطان بایزید اول
محرم ۸۲۸	شاهرخ	فرمان	مراکان- خوی	ایران	ترکیه- موزه تویکاپی	خاندان شیخ درسون
ذیقعه ۸۲۸	شاهرخ	فرمان	قزوین	ایران	ایران- مجموعه شخصی	معین الدین
ذیقعه ۸۲۸	شاهرخ	فرمان	اردبیل	ایران	ایران- موزه ملی	صدرالدین ابراهیم
شعبان ۸۳۹	شاهرخ	فرمان	کلخوران	ایران	ایران- موزه ملی	زارعین اردبیل
ربیع الاول ۸۷۳	ابوسعید	فتحنامه	-	-	ترکیه- موزه تویکاپی	اوزون حسن
ذیقعه ۸۷۹	حسین یاقرا	فرمان	[خراسان]	افغانستان و ایران	ترکیه- موزه تویکاپی	پهلوان محمد
رجب ۸۹۶	حسین یاقرا	فرمان	چیچکتو	افغانستان	افغانستان- آرشیوملی	قاضی و داروغه چیچکتو
صفر ۹۰۱	حسین یاقرا	فرمان	چیچکتو	افغانستان	افغانستان- آرشیوملی	قاضی و داروغه چیچکتو

جدول ۱

مشخصات اسناد دیوانی برجای مانده از پادشاهان تیموری



نتیجه‌گیری

اهمیت و نقش اسناد دیوانی، در شناخت نظام دیوان‌سالاری و تشکیلات حکومتی هر دوره، واقعیتی انکارناپذیر است. در پژوهش‌های انجام یافته مرتبط با نظام دیوانی عصر تیموری، بررسی‌ها و تجزیه و تحلیل‌های مبتنی بر اسناد بسیار کم‌رنگ و محدود بوده، که این محدودیت حتی در مقایسه با حکومت‌های معاصر تیموریان، یعنی ترکمانان آق‌قویونلو و قراقویونلو نیز دیده می‌شود.

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اسناد دیوانی صادره از جانب سلاطین تیموری که تاکنون شناخته شده، از نظر تعداد، کاملاً محدود و انگشت‌شمار است. مطابق این بررسی، سندهای شناخته شده و موثق، محدود به یازده سند در کشورهای ایران، افغانستان، ازبکستان، و ترکیه بوده که بررسی این اسناد، با وجود آشکار کردن برخی نکات درباره نظام دیوانی و پاره‌ای مسائل مرتبط با موقوفات و موقعیت گروه‌هایی چون علما و عرفا، به دلیل قلت آنها، کماکان با پرسش‌های ناگفته بسیاری روبه‌روست؛ مسائلی از قبیل سلسله مراتب قدرت (در مورد تیمور، میرانشاه، و خان‌های مغول) و وابستگی‌های مکانی و زمانی صدور اسناد (در مورد اسناد شاهرخ و حسین بایقرا).

کتابنامه

- بارتولد، ولادیمیر (۱۳۳۶). *الف بیگ و زمان وی* (حسین احمدی پور، مترجم). تبریز: کتابفروشی چهر.
- بوسه، هربرت (۱۳۱۷). *پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی بر مبنای اسناد دوران آق‌قویونلو و قراقویونلو و صفوی* (غلامرضا وره‌رام، مترجم). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- حیدر میرزا دوغلات، محمد (۱۳۸۳). *تاریخ رشیدی* (عباسقلی غفاری فرد، مصحح). تهران: مرکز نشر میراث مکتوب.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن هماد الدین (۱۳۶۲). *تاریخ حبیب‌السیر* (محمد دبیرسیاکی، مصحح). تهران: خیام.
- _____ (۱۳۶۲). *مآثر الملوک به ضمیمه خاتمه خلاصه الاخبار و قانون همایونی* (میرهاشم محدث، مصحح). تهران: رسا.
- روملو، حسن (۱۳۸۴). *احسن التواریخ* (عبدالحسین نوایی، مصحح). تهران: اساطیر.
- زامباور، ادوارد ریترفون (۱۳۵۶). *نسب‌نامه خلفا و شهریاران و سیر تاریخی حوادث اسلام* (محمد جواد مشکور، مترجم). تهران: خیام.
- زریاب خوئی، عباس (۱۳۷۰). *ابوسعید گورکان. دایرة المعارف بزرگ اسلامی* (ج ۵). تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
- سودآور، ابوالعلاء (۱۳۸۳). کاربرد معیارهای الاقدم اصح و یقین سابق و مشکل مدارک نیمه جعلی. *نامه بهارستان*. ۱۰، ۴۵ - ۵۶.

- سیوطی، جلال‌الدین (۱۹۹۱) *کتاب‌اللباب فی تحریر الانساب* (محمد احمد عبدالعزیز، شرف احمد عبدالعزیز، مصححان). بیروت: دارالکتب العلمیه.
- شیخ الحکامی، عمادالدین (۱۳۸۷). *فهرست اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی*. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، موزه ملی ایران.
- شیخ‌علی گیلانی (۱۳۵۲). *تاریخ مازندران* (منوچهر ستوده، مصحح). تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- صفت گل، منصور (۲۰۰۶). *پژوهشی درباره مکتوبات تاریخی فارسی ایران و ماوراءالنهر (صفویان، ازبکان و امارات بخارا)*، همراه با گزیده مکتوبات. توکیو: مؤسسه مطالعات زبان‌ها و فرهنگ‌های آسیا و آفریقا، دانشگاه مطالعات خارجی توکیو، (ILCAA).
- عبدالرزاق سمرقندی، کمال‌الدین (۱۳۸۳) *مطلع سعیدین و مجمع بحرین* (عبدالاحسین نوایی، مصحح). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- فصیح خوافی، احمدبن محمد (۱۳۴۱). *مجمعل فصیحی* (محمود فرخ، مصحح). مشهد: کتابفروشی باستان.
- قزوینی، محمد (۱۳۶۳). *دوره کامل بیست مقاله قزوینی* (ابراهیم پورداود و عباس اقبال، مقدمه نویسان). تهران: دنیای کتاب.
- مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۸۷). *سندیات*. نیوجرسی: مؤسسه انتشاراتی زاگرس.
- _____ (۱۳۵۵). هفت فرمان دیگر از پادشاهان ترکمان. *بررسیهای تاریخی*، ۱۱، (۲)، ۸۷-۱۲۲.
- یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۷۹) *معجم البلدان*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- یوسف‌اهل، جلال‌الدین (۱۳۵۶). *فرائد غیائی* (ج ۱). (حشمت موید، مصحح). تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- Fekete, Lajos (1977). *Einführung in die persische paläographie 101 persische dokumente. aus dem Nachlass des Verfassers herausgegeben*. Budapest: Akademiai kiado.
- WOODS, JOHN E. (1984 October). Turco-Iranica II: Notes on a Timurid Decree of 1396/798. *Journal of Near Eastern Studies*. 43(4), 331 – 337.

